

## پول



در بخش‌های قبلی این مجموعه، سیر تحول و تکامل پول را از دوران‌های تاریخی شروع کردیم و به تدریج به عصر پول کاغذی رسیدیم. سپس روند تحولات مزبور را در کشور خودمان پیگیری کردیم تا به دهه سی و دوران ملی شدن صنعت نفت رسیدیم. اینک ادامه این بحث را ملاحظه فرمایید.

## بانک و اقتصاد

در سال‌های بین ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۳ به تدریج درآمد نفت قطع شد و کشور در مضیقه مالی قرار گرفت و در ۶ مرداد ۱۳۳۰ قانونی به این شرح از تصویب مجلس گذشت: ماده واحده- به هیأت نظارت اندوخته اسکناس اجازه داده

می‌شود تا مبلغ چهارده میلیون لیره از ارزش‌های موجود در حساب پشتوانه را در صورتی که ضرورت ایجاد کند، جهت رفع مضیقه ارز کشور که در نتیجه اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت ممکن است ایجاد شود، در اختیار دولت بگذارد. دولت مکلف است حداکثر در ظرف مدت یکسال آن مبلغ را از محل درآمدهای ارزی دولت و شرکت ملی به هیأت نظارت اندوخته اسکناس مسترد نماید.

چون قانون ۶ مرداد ۱۳۲۶ اجازه انتشار اسکناس را از هیأت نظارت اندوخته اسکناس سلب کرده بود، لذا دولت به طور عادی نمی‌توانست اسکناس منتشر کند، ولی چون رییس دولت دارای

اختیارات تام قانونی بود<sup>(۱)</sup> لذا بدون اینکه به مجلس یا مردم اطلاع بدهد، بر میزان اسکناس افزود و سر و صدایی در بساطه انتشار آن بلند شد.

## قانون تثبیت پشتوانه (تیر ۱۳۳۳)

ماده اول - هیأت نظارت اندوخته اسکناس بانک ملی ایران مکلف است در مقابل اسکناس‌هایی که تا تاریخ تصویب این قانون منتشر شده یا بعداً انتشار خواهد یافت، پشتوانه‌ای به شرح زیر نگاهدارد:

الف- حداقل ۴۰ درصد طلا و ارزش‌های قابل تبدیل یا تضمین شده به طلا، مشروط بر اینکه هیچگاه مقدار طلا از ۳۵ درصد کل پشتوانه کمتر نباشد.

ب- حداکثر طلا یا ارز قابل تبدیل یا

تضمین شده به طلا که علاوه بر پشتوانه ۴۰ درصد عنداللزوم و برای اخذ ریال می‌توان به پشتوانه سپرد، هیچگاه از هم ارز سی میلیون دلار به نرخ رسمی ۳۲/۲۵ ریال نباید تجاوز کند.

ج- بقیه تا میزان صد در صد اسناد بدهی دولت خواهد بود و جواهرات موضوع قانون ۲۵ آبان ۱۳۱۶ به عنوان وثیقه اسناد بدهی دولت خواهد بود (تحت نظر هیأت اندوخته اسکناس).

تبصره ۱- موجودی طلای پشتوانه در تاریخ تصویب این قانون به هیچوجه از اختیار هیأت نظارت اندوخته اسکناس خارج نخواهد شد و منحصرأ پشتوانه اسکناس طبق بند «الف» قرار خواهد گرفت.

تبصره ۲- ارزش طلای پشتوانه کماکان از قرار هر گرم ۱۳۳۵ ۳۶/۲۹۰ ریال و ارزهای پشتوانه بر مبنای نرخ‌های صندوق بین‌المللی پول براساس هر دلار ۳۲/۲۵ ریال خواهد بود.

تبصره ۳- سهمیه دولت ایران در صندوق بین‌المللی پول<sup>(۱)</sup> و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه<sup>(۲)</sup> جزو پشتوانه مقرر در بند «الف» خواهد بود.

تبصره ۴- معادل مبلغی که از اسناد بدهی دولت جزو پشتوانه قرار خواهد گرفت، از بدهی‌های موعد گذشته‌ای که دولت به قسمت بانکی بانک ملی ایران دارد، کسر خواهد شد.

اگر چه با توجه به بند «ب» این قانون دولت می‌توانست معادل سی میلیون دلار (نزدیک به یک میلیارد ریال) اسکناس در جریان بگذارد،<sup>(۳)</sup> خوشبختانه انتشار اسکناس به کندی انجام گرفت و نسبت بالا رفتن آن مثل سابق خیلی قابل ملاحظه نبود.

سیس با تصویب یک قانون، قیمت هر گرم طلای خالص پشتوانه ۸۵/۲۳۹۶۱۵۶ ریال تعیین شد و مقرر گردید که تفاوت حاصل در حساب جداگانه نزد بانک ملی ایران منظور شود. طبق مفاد تبصره این ماده، بانک ملی ایران نرخ ارزها را براساس قیمت طلا مندرج در این ماده تعیین خواهد نمود.

ماده دوم این قانون نیز حکایت از آن داشت که «بانک ملی ایران می‌تواند از محل حساب مذکور در ماده یک، با توجه به وضع ارزی و پولی کشور برای تأمین هزینه‌های ریالی امور تولیدی و کشاورزی خارج از برنامه هفت ساله دوم که احتیاجات ارزی آن امور از محل دیگر تأمین شده باشد، وام بدهد.»

ماده سوم نیز مقرر می‌داشت که «در مواردی که بانک ملی ایران احتیاج به انتشار اسکناس پیدا کند، ملکف است با تصویب هیأت مذکور در ماده ۲ قانون تثبیت پشتوانه، مصوب تیر ۱۳۳۳، طلا یا ارز تضمین شده و یا قابل تبدیل به طلا به هیأت نظارت اندوخته اسکناس سپرده و معادل ارزش قانونی، اسکناس دریافت نماید، به طوری که اسکناسی که عنداللزوم و بعد از تصویب این قانون منتشر می‌شود،

دارای صد در صد پشتوانه باشد، و هر موقع اسکناس‌هایی که بدین ترتیب منتشر شده، به هیأت نظارت اندوخته اسکناس مسترد کند، به همان نرخ طلا یا ارز دریافت دارد.»

با تصویب این قانون عملاً ارزش ریال حدود ۱۲۰ درصد پایین آمد و قیمت هر گرم طلای خالص پشتوانه ۸۵/۲۳۹۶۱۵۶ ریال تعیین شد، در صورتیکه در قانون تثبیت پشتوانه تیر ماه ۱۳۳۳ ارزش هر گرم طلا ۳۶/۲۹۹۱۳۳۵ ریال بود. در نتیجه تضعیف ریال، ارزش دلار امریکایی یک مرتبه از ۳۲/۵۰ ریال به ۷۵ بالا رفت. به عبارت دیگر، یک دلار امریکایی هفتاد و پنج مرتبه زیادتر از یک ریال ایرانی محتوی طلا شد و دولت برای مشروع نشان دادن عمل خود دلایل غیر منطقی اقامه می‌کرد. این تضعیف موجب ضرر زیادی برای کشور بود و متمتع اصلی از این قانون هم کنسرسیوم نفت بود<sup>(۴)</sup>، چرا که به هر میزان نرخ ارز پایین‌تر بود،



▲ حوزه قرارداد کنسرسیوم نفت در جنوب ایران یکصد هزار مایل مربع وسعت داشت و سود ناشی از کاهش ارزش ریال نیز نصیب همین کنسرسیوم می‌شد.

کنسرسيوم ناچار می‌شد ارز زیادتری را به دولت ایران بفرود.

بنابر این، همانطور که اشاره شد، در سال ۱۳۳۰، با ملی شدن صنعت نفت ایران، از نظر ارزی در مضيقه شديد مالی قرار گرفتيم، به طوری که در سال ۱۳۳۰ فقط ۲۹ ميليون دلار درآمد نفتی داشتيم و در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ همین درآمد ارزی هم قطع شد، ولی در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ حجم پول در گردش هر سال به ترتیب ۲۶ و ۲۴ درصد افزایش یافت و با قطع درآمد ارزی از بابت نفت، واردات نیز به شدت کاهش یافت، ولی پس از صدور مجدد نفت و شروع به اصطلاح کمک‌های خارجی، واردات از سویی افزایش می‌یابد و از سوی دیگر، با اعمال سیاست انبساطی پول از ۱۳۳۵ نشانه‌هایی از تورم به چشم می‌خورد و در سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ و بالاخره ۱۳۳۹ کاملاً مشهود و نمایان می‌شود و به اوج خود می‌رسد.

شایان ذکر است که رشد تورم در این دوره را باید به علت اتکای شديد دولت به نظام بانکی و گسترش بی‌رويه اعتبارات و عدم کشش تولید دانست. از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸ تعداد ۱۴ بانک به جمع بانک‌ها افزوده شدند، در صورتی که در سال ۱۳۳۵ تعداد بانک‌ها ۱۳ بود. اعتبارات قبل از سال ۱۳۳۳ هر ساله بین ۱ تا ۲ ميليارد ريال به بخش خصوصی اضافه می‌شد و از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۸ جمعا ۳۸ ميليارد اعتبار داده شد. در سال ۱۳۳۴ فقط ۱۰ ميليون دلار قرض خارجی داشتيم که در سال ۱۳۳۸ به ۵۰۰ ميليون دلار رسید. با سیاست «دروازه‌های باز» واردات روزافزون بود، به طوری که در آخر شهریور ۱۳۳۹ موجودی ارزی کشور فقط ۱۵ ميليون دلار بود.

بالاخره، از آنجا که از یک طرف، اعتبارات به صورتی بی‌رويه گسترش یافته بود و از نظر کیفی و کمی به آنها توجهی نشده بود و از طرف دیگر، تولیدات به علت‌های مختلف کشش لازم را نداشت و به علت کاهش ذخيره ارزی وضع اقتصادی ایران را در سال ۱۳۳۹ غیرقابل

تحمل کرده بود، لذا برنامه تثبيت اقتصادی اعمال شد که رکود ۲ یا ۳ ساله‌ای را به دنبال داشت.

واقعه مهم دیگری که از نظر تجربه پولی حایز اهمیت است، همین نکته بود که در اردیبهشت ۱۳۳۶ ارزش هر گرم طلا از حدود ۳۶/۲۹ ريال به ۸۵/۲۴ ريال افزایش داده شد و بدین ترتیب، بانک ملی براساس قیمت طلا نرخ برابری ارز را تغییر داد و در نتیجه، ارزش رسمی دلار از ۳۲/۵ ريال به ۷۵/۷۵ ريال رسید. بدین ترتیب، ضمن اینکه ارزش رسمی و ارزش واقعی پول با یکدیگر برابر شدند،

○ افزایش ارزش دلار از ۳۲/۵ ريال، به ۷۵/۷۵ ريال موجب ضرر زیسادی برای کشور شد و متمتع اصلی از این روند هم کنسرسيوم نفت بود.

○ در سال ۱۳۳۰ فقط ۲۹ ميليون دلار درآمد نفتی داشتيم و در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ نیز درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت خام به کلی قطع شد.

نظام چند نرخي نیز کنار گذاشته شد و گواهینامه فروش ارز نیز متوقف گردید.

ادامه دارد

### یادداشت‌ها

(۱) در ۱۳ مرداد ۱۳۳۱ قانون مربوط به اختیارات دکتر مصدق از تصویب مجلس گذشت.

(۲) صندوق بین‌المللی پول (International Monetary Fund) یکی از

سازمان‌های اختصاصی وابسته به سازمان ملل متحد است که در دسامبر ۱۹۴۵ تأسیس شد. موافقت نامه مربوط به تأسیس این صندوق و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه در ژوئیه ۱۹۴۴ در کنفرانس برتن رودز تهیه شد. مرکز آن در واشنگتن است و سرمایه این صندوق از طرف کشورهای عضو پرداخت یا تعهد شده است. کشورهای عضو می‌توانند برای تادیه قروض و یا انجام تعهدات بین‌المللی خود از این صندوق ارز مورد نیاز را دریافت کنند و پس از رفع احتیاج، مجدداً مبلغ دریافتی را به صندوق مسترد دارند. برای تسهیل بازرگانی بین‌المللی و تقلیل مشکلات ارزی، صندوق اختیارات محدودی در تعیین نرخ تبدیل اسعار دارد.

(۳) بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه یا بانک جهانی، بنگاه مستقلی است وابسته به سازمان ملل متحد که مرکز آن در واشنگتن می‌باشد و سرمایه آن به وسیله کشورهای عضو سازمان ملل متحد پرداخت یا تعهد شده است. این بانک به دولت‌های عضو و سرمایه‌گذاران خصوصی رام می‌دهد تا سرمایه‌گذاری تولیدی را تسهیل کند و بازرگانی خارجی را توسعه دهد. این بانک نیز در نتیجه مذاکرات کنفرانس پولی و مالی (کنفرانس برتن رودز) که در سال ۱۹۴۴ از طرف سازمان ملل متحد در برتن رودز واقع در ایالات نیوهمپشایر کشور ایالات متحد امریکا منعقد شد، تأسیس یافت.

(۴) دولت برای تسکین افکار عمومی، به یک سلسله تبلیغات دست زد که در راس آنها باز هم میزان پشتوانه اسکناس بود که از نظر منطق اقتصاد کوچکترین قدرتی نداشت.

(۵) در اوایل سپتامبر ۱۹۵۳ توسط مدیر عامل شرکت نفت ایران و انگلیس از هفت شرکت خارجی نفت دعوت به عمل آمد تا در جلسه‌ای در لندن جهت مذاکره درباره مسایل مختلف ناشی از جریان مجدد نفت ایران در بازارهای بین‌المللی حضور به هم رسانند و بالاخره، بعد از مذاکرات متعدد در نهم آوریل شرکت‌ها بر سر تشکیل موقت کنسرسيوم به تفاهم رسیدند و سرانجام، در سی‌ام اکتبر همان سال نفت ایران مجدداً از آبادان وارد کشتی‌های نفتکش انگلیسی و فرانسوی و امریکایی شد تا روانه بازارهای دنیا شود.